

کمر خم سیرجان زیر فشار گرانی!

حسام الدین اسلاملو

گزارش

کارشناسان اقتصادی چند دلیل را مطرح می‌کنند:

نبود نرخ‌نامه واحد و الزام‌آور در سطح شهر. سودجویی برخی مغازه‌داران و رستوران‌ها در مناطق جدید و کم‌نظارت.

افزایش هزینه‌های جانبی تولید و اجاره.

بی‌تفاوتی مردم در گزارش تخلف‌ها.

رقابت ناسالم و نبود برندهای معتبر بومی در عرضه کالا و خوراک. وقتی این عوامل کنار هم قرار می‌گیرند، بازار به‌جای نظم، به جنگل تبدیل می‌شود؛ هرکس قیمتی دل‌خواه تعیین می‌کند و مشتری، قربانی بی‌دفاع این هرج‌ومرج است.

□ چه باید کرد؟

۱. نظارت منظم و سرزده

مردم سیرجان از دادستان و اداره تعزیرات خواستار بازرسی‌های سرزده و واقعی هستند، نه حضور تشریفاتی. اگر با چند متخلف برخورد قاطع و رسانه‌ای شود، بقیه حساب کار دست‌شان می‌آید.

۲. ایجاد «مراکز ارزان‌فروشی معتبر»

به‌جای کنترل‌های بی‌نتیجه، شهرداری و اتاق اصناف می‌توانند در نقاط مختلف شهر، بازارچه‌های تنظیم قیمت یا برندهای نظارتی ارزان‌فروشی ایجاد کنند تا رقابت سالم شکل بگیرد و دست سودجویان کوتاه شود.

۳. شفافیت در قیمت و منو

تمام رستوران‌ها و فروشگاه‌ها باید برگه قیمت رسمی و قابل مشاهده نصب کنند. نبود قیمت، خودش نوعی تخلف است.

۴. رفتار هوشمندانه مردم در خرید

مردم باید از خرید کالاهای گران و بی‌کیفیت خودداری کنند. وقتی یک مغازه‌دار یا رستوران ببیند مشتری آگاه و پیگیر است، خودبه‌خود از سوءاستفاده عقب می‌نشیند.

گزارش تخلف‌ها از طریق سامانه ۱۲۴ یا صفحه رسمی تعزیرات نیز مؤثر است، به شرطی که پیگیری شود.

□ کلام آخر

سیرجان شهری است با مردم پرتلاش و بازار پویا؛ اما اگر این بی‌نظمی قیمتی ادامه پیدا کند، اعتماد مردم به اصناف از بین می‌رود. گرانی فقط مسئله جیب نیست، مسئله عدالت اجتماعی است.

وقتی یک خانواده‌ی کارگر نتواند جوجه یا خرما بخرد، یعنی اعتماد عمومی ترک برداشته است.

امروز وقت آن رسیده که مسئولان از پشت میزها بیرون بیایند، نه برای بازدید نمایشی، بلکه برای دیدن واقعیت از پشت درها و منوها.

مردم سیرجان فقط معدنی‌ها با حقوق‌های بالا و مزایای عالی نیستند. بسیاری از خانواده‌ها دارند با حقوق اداره کار یک سرپرست که به ۱۷ میلیون تومان نمی‌رسد، صورت خود را سرخ نگه می‌دارند...

همین دیروز یک سوپرمارکت در سیرجان بسکوییت ویفر کوچک را به من فروخت ۱۲۰ هزار تومان فقط برای اینکه قیمت نپرسیده بودم. فقط کارتم را کشید و رسید هم نداد.

بعد که با پیامک فهمیدم، برگشتم و اعتراض کردم اما نتوانستم حریفش شوم و معتقد بود قیمت این بسکوییت همین است!

با این تجربه با خودم گفتم از حالا اول قیمت بپرسم و بعد بخرم اما از بسیاری فروشندگان سیرجانی وقتی قیمت می‌پرسی و نمی‌خوری، به خودشان اجازه‌ی توهین کردن می‌دهند!

از یک میوه‌فروشی که قیمت هلو را جویا شدم و با شنیدم قیمت رفتم رد کارم، از دور فحش داد و تهدید مرد که دیگر نیایم!

در بازار سیرجان دیگر قیمت‌ها بوی منطق نمی‌دهند. مردمی که هر روز از کنار ویتترین میوه‌فروشی‌ها، رستوران‌ها و مغازه‌های مواد غذایی می‌گذرند، مدام زیر لب غر می‌زنند:

«این‌جا سیرجانه یا شمال تهران؟!»

گرانی، بی‌نظمی و تفاوت فاحش قیمت‌ها از محله‌ای به محله دیگر، نفس مردم را بریده است. یکی از شهروندان در پیام خود به روزنامه می‌گوید:

«در بازار خرما ۸۵ هزار تومن، در بلوار هجرت ۱۵۰ هزار و سمت مکی‌آباد ۱۹۵ هزار تومان! مگه سه تا سیرجان داریم؟!»

اما ماجرا فقط به میوه ختم نمی‌شود. رستوران‌های تازه‌تأسیس، مخصوصاً در محدوده مهیا شهر، به گفته مردم، قیمت‌های «سرسام‌آور» و کیفیت «افتضاح» دارند. یک مشتری می‌گوید:

«کبابی‌ها گوشتایی می‌دن که نمی‌دونی از کجاست، سفت و بی‌مزه، به اسم کوبیده و جوجه می‌فروشن دونه‌ای ۲۰۰ تومن! نصفش استخونه، نصفشم فیله!»

سؤال ساده اما جدی این است: چه کسی باید جلوی این بی‌نظمی و سوءاستفاده را بگیرد؟

□ مسئول کیست؟

مطابق قانون نظام صنفی کشور، نظارت بر قیمت‌ها بر عهده چند نهاد است:

تعزیرات حکومتی

اداره صمت (صنعت، معدن و تجارت)

اتحادیه‌های صنفی مربوطه

و در موارد تخلف گسترده، دادستانی شهر.

اما به گفته کسبه‌ی قدیمی بازار، نظارت‌ها «مقطعی» و «شعاری» شده‌اند. وقتی یک هفته برخورد صورت می‌گیرد و سه ماه خبری نیست، نتیجه همان می‌شود که اکنون در سیرجان شاهدیم:

قیمت‌های نجومی، کالاهای بی‌کیفیت و مردمی که دیگر اعتراضی هم نمی‌کنند چون امیدی به نتیجه ندارند.

□ چرا این وضعیت پیش آمده؟